



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

سرشت انسان و جایگاه او در هستی از دیدگاه علامه جعفری و گابریل مارسل

استاد راهنما
دکتر نرگس نظرزاد

دانشجو
زینب قره داغی

بهمن 1391





دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

سرشت انسان و جایگاه او در هستی از دیدگاه علامه جعفری و گابریل مارسل

استاد راهنما
سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد

استاد مشاور
سرکار خانم دکتر فروزان راسخی

دانشجو
زینب قره داغی

بهمن 1391

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه

الزهراء (س) است.

خداوند متعال را شاکرم که به ما نعمت حیات بخشیده و ما را در مسیر کسب علم و دانش یاری داده است.

از استاد محترم راهنما سرکار خانم دکتر نظرنژاد و استاد محترم مشاور سرکار خانم دکتر راسخی صمیمانه تشکر می‌کنم که صبورانه در راهنمایی و مشاوره این رساله مرا یاری کردند.

از خانواده عزیزم که همواره پشتیبان من بودند و از همیاری‌های بی‌دریغ همسر عزیزم تشکر فراوان دارم.

چکیده

پرسش از سرشت انسان و جایگاه او در هستی و روابطش با سایر اجزای هستی، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پرسش‌های بشر است. از آنجایی که زندگی انسان معاصر به دلیل عدم دریافت پاسخ مناسب این پرسش دچار فقدان معنای وجودی شده، پرداختن به آن ضروری می‌نماید. در این پژوهش به دنبال پاسخ دو تن از متفکران معاصر، گابریل مارسل و علامه جعفری در باب جایگاه انسان در ارتباط با خویشتن، دیگران، جهان هستی و خداوند هستیم. علامه جعفری اصل بنیادین حیات دینی را زندگی در حیات معقول دانسته و با طرح ابعاد مختلف آن، پاسخ پرسش‌های انسان درباره موجودیت و جایگاه و روابطش را داده است. مارسل با رویکردی نزدیک به رویکرد دینی، زیربنای آگاهی انسان را مبتنی بر ارتباط او با جهان و دیگران دانسته و بر همین اساس، تجارب انسانی‌ای که در نهایت منجر به ارتباط او با خداوند می‌شود، تبیین کرده است.

کلمات کلیدی: انسان، جهان، خداوند، مارسل، علامه جعفری.

فهرست مطالب

1.....	مقدمه
7.....	1- فصل اول: معرفی جنبش اومانیسم و مکاتب متأثر از آن
9.....	1-1- تعریف اومانیسم
11.....	1-2- مؤلفه‌های اومانیسم
11.....	1-3- تقسیم بندی اومانیسم
12.....	1-3-1- اومانیسم رنسانس
14.....	1-3-2- اومانیسم عصر روشنگری
17.....	1-3-3- اومانیسم عصر مدرن
17.....	1-3-3-1- اومانیسم و مارکسیسم
21.....	1-3-3-2- اومانیسم و پراگماتیسم
25.....	1-3-3-3- اومانیسم و اگزستانسیالیسم
27.....	1-4- مضامین مشترک میان اگزستانسیالیست‌ها
28.....	1-4-1- هست بودن
30.....	1-4-2- تفرد
32.....	1-4-3- آزادی، انتخاب و مسئولیت
34.....	1-4-4- هستی - در - عالم
36.....	1-4-5- اضطراب و گناه وجودی
37.....	1-4-6- مرگ
38.....	1-5- اگزستانسیالیسم و دین

- 2- فصل دوم: دیدگاه مارسل درباره‌ی سرشت انسان و جایگاه او در هستی 42
- 1-2- شیوه‌ی فلسفی مارسل و ویژگی‌های تفکر او 44
- 2-2- راز، ساحت شناخت انسان 47
- 1-2-2- اندیشه اولیه و امور مسأله انگیز 47
- 2-2-2- اندیشه ثانویه و راز 48
- 3-2- جایگاه انسان در ارتباط با خویشتن 50
- 1-3-2- تجسم 51
- 2-3-2- مسأله شدن انسان برای خود 52
- 3-3-2- آدمی؛ شور و شوق بیهوده یا انسان سالک؟ 55
- 4-2- جایگاه انسان در ارتباط با دیگران 56
- 1-4-2- ارتباط من-تویی 57
- 2-4-2- آمادگی و در دسترس بودن 58
- 5-2- جایگاه انسان در ارتباط با جهان هستی 59
- 1-5-2- نگرش کارکردی و فناورانه 59
- 2-5-2- بودن و داشتن 61
- 6-2- جایگاه انسان در ارتباط با خداوند 63
- 1-6-2- راز هستی شناختی 63
- 2-6-2- عشق 65
- 3-6-2- وفا و ایمان 65
- 4-6-2- امید 67

- 3- فصل سوم: دیدگاه علامه جعفری درباره سرشت انسان و جایگاه او در هستی 70
- 3-1- اندیشه‌ی فلسفی علامه جعفری درباره انسان 72
- 3-2- شناخت طبیعت انسان 73
- 3-2-1- نظریه اسلام راجع به طبیعت انسان 74
- 3-3- حیات معقول و ویژگی‌های آن 76
- 3-4- ارتباط‌های چهارگانه انسان 80
- 3-4-1- جایگاه انسان در ارتباط با خویشتن 82
- 3-4-1-1- کرامت انسانی 82
- 3-4-1-2- قوانین حاکم بر ارتباط انسان با خویشتن 83
- 3-4-1-3- کمال دین در ارتباط با خویشتن 87
- 3-4-2- جایگاه انسان در ارتباط با دیگران 88
- 3-4-3- جایگاه انسان در ارتباط با جهان هستی 90
- 3-4-3-1- ابعاد چهارگانه ارتباط انسان با هستی 90
- 3-4-3-2- قوانین حاکم بر ارتباط انسان با جهان هستی 92
- 3-4-3-3- کمال دین در ارتباط انسان با جهان هستی 94
- 3-4-4- جایگاه انسان در ارتباط با خداوند 95
- 3-4-4-1- رابطه انسان با خدا در قرآن 96
- 3-4-4-2- ایمان، رابطه استوار انسان با خدا 96
- 3-4-4-3- عشق حقیقی 97
- 3-4-4-4- قوانین حاکم بر ارتباط انسان با خدا 98

99..... 3-4-4-5- کمال دین در ارتباط انسان با خدا

4- فصل چهارم: مقایسه و ارزیابی دیدگاه‌های مارسل و علامه جعفری در

101..... محورهای چهارگانه ارتباط انسان

102..... 4-1- وجوه اشتراک و اختلاف دیدگاه‌های مارسل و علامه جعفری

104..... 4-1-1- جایگاه انسان در ارتباط با خویشتن

104..... 4-1-1-1- شباهت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با خویشتن

105..... 4-1-1-2- تفاوت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با خویشتن

105..... 4-1-2- جایگاه انسان در ارتباط با دیگران

105..... 4-1-2-1- شباهت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با دیگران

106..... 4-1-2-2- تفاوت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با دیگران

106..... 4-1-3- جایگاه انسان در ارتباط با جهان هستی

107..... 4-1-4- جایگاه انسان در ارتباط با خداوند

107..... 4-1-4-1- شباهت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با خداوند

108..... 4-1-4-2- تفاوت دیدگاه علامه جعفری و مارسل در ارتباط با خداوند

108..... 4-2- تحلیل و ارزیابی

110..... 4-3- ارتباط دیدگاه‌های علامه جعفری و مارسل با اومانیسم

114..... نتیجه‌گیری و پیشنهادات

116..... فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

شناخت سرشت واقعی انسان و جایگاه او در نظام هستی از محوری‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مسائل اندیشه‌ی بشر است. با این‌که ژرف‌کاوی‌ها درباره‌ی حقیقت و ماهیت انسان، تاریخی به بلندای تاریخ حیات او دارد، اما نه تنها به شناخت کامل او منتهی نشده، که او را به معمای لاینحل هستی مبدل ساخته است. شاهد آن، تنوع و گوناگونی، و گاهی تضاد آراء اندیشمندان مختلف در این حوزه است. بدیهی است که اگر گوهر وجودی انسان شناخته شود، قطعاً اوضاع انسانی و جامعه جهانی، به مراتب مناسب‌تر گردیده و حاکمیت خیر و زیبایی، و حق و عدل نمایان شده و شرّ زشتی و باطل و ظلم به کناری می‌خزد. به نظر می‌رسد آنچه بشر امروز را در هاله‌ای از ظلمت و تباهی و پرده‌ای از نادانی و گمراهی فرو برده، به گونه‌ای که گاهی انسان را به جای خدا می‌نشانند و گاهی در حد حیوان ساقط می‌کنند، همه از عدم آگاهی به منبع هستی بخش انسان و منبع معرفتی او ناشی می‌شود. در حقیقت آنچه برای عالم انسان اصل است، عالم شناخت است، نه عالم خاک و عالم انباشته از ناشناختگی.

این اثر بر آن است تا با بررسی زمینه تاریخی اصالت دادن به انسان در تفکر غرب، و نیز با بررسی آرای دو تن از اندیشمندان معاصر؛ علامه جعفری و گابریل مارسل، پاسخی در خور در زمینه جایگاه انسان در هستی و تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه این دو تن بیابد. لازم است قبل از ورود به بحث، ابعاد اصلی این پژوهش تبیین شوند.

پرسش اصلی

سرشت انسان و جایگاه او در هستی از دیدگاه علامه جعفری و گابریل مارسل چگونه بیان شده است؟

پرسش‌های فرعی

1. دیدگاه مارسل درباره انسان و جایگاه او در هستی چیست؟
2. دیدگاه علامه جعفری درباره انسان و جایگاه او در هستی چیست؟
3. مشابهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه علامه جعفری و مارسل درباره انسان و جایگاه او در هستی، در چه چیزهایی است؟

فرضیه‌های پژوهش

1. مارسل معتقد به فلسفه عینی و ملموس راجع به انسان است و او را موجودی می‌داند که از اوضاع و احوال و روابط خود با جهان و دیگران جدایی ناپذیر است. رویکرد مارسل به جایگاه انسان در هستی نزدیک به رویکرد دینی است.
2. علامه جعفری بر اساس مبانی دین اسلام به تبیین شناخت طبیعت انسان و جایگاه او در ارتباط‌های چهارگانه با خود، دیگران، جهان هستی و خداوند می‌پردازد. او زندگی در پرتو حیات معقول را ضامن دستیابی انسان به هدف اعلای زندگی می‌داند که با شکوفایی اختیار به ثمر می‌رسد.
3. علامه و مارسل شناخت انسان را خارج از ارتباط‌هایش میسر نمی‌دانند و هر دو ایمان را یکی از عوامل سعادت و کمال انسان می‌دانند. علامه با طرح حیات معقول و تأکید بر شناخت عقلی و دینی انسان به تبیین جایگاه انسان در هستی می‌پردازد، در حالی که مارسل به شناخت عقلی تأکیدی ندارد و شناخت انسان و خداوند را در گرو تجارب انسانی و مشارکت در هستی می‌داند.

پژوهش‌های انجام شده

در میان پژوهش‌های انجام شده اثری که مستقلاً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد؛ از این رو به ذکر آثاری که به طور جداگانه مباحث انسان‌شناسی این دو فرد را مورد بررسی قرار داده‌اند و یا در بخشی از مباحث خود به تحلیل آن پرداخته‌اند، می‌پردازیم:

در میان پایان‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ای با «عنوان بررسی تطبیقی انسان‌شناسی در نهج‌البلاغه و اگزستانسیالیسم غیر الحادی (مارسل و یاسپرس)» نوشته فاطمه عرب گورچوئی به راهنمایی نفیسه ساطع از دانشگاه قم 1387، ابتدا به امکان شناخت انسان و سپس به بیان حقیقت انسان در این دیدگاه‌ها پرداخته است. همچنین در پایان‌نامه‌ای دیگر تحت عنوان «حیات معقول از دیدگاه علامه جعفری (با تأکید بر تفسیر نهج‌البلاغه)» نوشته حسن مهدی فر و به راهنمایی محمد مهدی گرجیان از مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) 1381، جایگاه انسان به عنوان رهرو طریق حیات معقول، توصیف و راه‌های تکامل انسان در حیات معقول تبیین شده است. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «آموزه راز در فلسفه گابریل مارسل» نوشته مسعود علیا و به راهنمایی عبدالکریم رشیدیان در دانشگاه شهید بهشتی 1379، انجام شده است که به بررسی آموزه راز و نتایج آموزه راز در فلسفه مارسل پرداخته است. در رساله‌ای با عنوان «مقایسه آراء علامه جعفری و جان هیک درباره معنای زندگی» نوشته راضیه فلاحی و به راهنمایی نرگس نظرنژاد در دانشگاه الزهراء 1388، ارائه شده که پاسخ پرسش از معناداری زندگی را از دیدگاه این دو متفکر بررسی می‌کند. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «انسان‌شناسی از نظر علامه جعفری» نوشته زهرا حاتمی و به راهنمایی محمدرضا اسدی در دانشگاه علامه طباطبایی 1389، نگارش یافته که آرای انسان‌شناسی علامه جعفری را بررسی کرده است.

ضرورت پژوهش

پرسش درباره سرشت و سرنوشت انسان یکی از پرسش‌های جاودانه در تاریخ اندیشه‌ی بشر است و انسان معاصر از جهت قدر نهادن بدین پرسش با اسلاف خود تفاوت معناداری ندارد. اما

آنچه انسان معاصر را از گذشتگانش متمایز می‌سازد این است که او یقینش را نسبت به ماهیت خود از دست داده است و دیگر نمی‌تواند خود را حیوان ناطقی بداند که باید در نمایش از پیش طراحی شده حیات نقشی را ایفا کند. برآیند بی واسطه این تغییر نگاه، فقدان معنای وجودی و احساس پوچی است. از این رو برای هر اندیشمندی پرداختن به چنین مباحثی ضروری است و از مسائل فوری و فوتی او محسوب می‌شود.

اهداف پژوهش

با توجه به این‌که انسان بدون ارتباط‌های چهارگانه قادر به زندگی نیست، یکی از اهداف این پژوهش یافتن پاسخ مارسل و علامه جعفری به عنوان دو متفکر بزرگ معاصر، در باب جایگاه انسان در ارتباط با خویشتن، دیگران، جهان هستی و خداوند است. هدف دیگری که در این رساله به دنبال آن هستیم، یافتن ارتباط اندیشه‌های این دو متفکر با مبانی مفهوم اصالت انسان در تفکر غرب است، و این‌که آیا می‌توان با یک باز تعریف از مفهوم انسان‌محوری، دیدگاه‌های این دو متفکر را نیز انسان‌محورانه تلقی کرد یا خیر.

معرفی فصول

برای ورود به این پژوهش و در فصل نخست، با معرفی جنبش فکری و فلسفی اومانیسم به عنوان مهم‌ترین تفکر این عصر درباره انسان و بررسی سیر تاریخی آن تا قرن بیستم، اندیشه‌های انسان‌گرایانه‌ی مکاتب تأثیر گرفته از آن را به اجمال، تبیین کرده‌ایم.

در فصل دوم در راستای بررسی فرضیه اول، به تبیین آرای گابریل مارسل یکی از نامدارترین فیلسوفان مکتب اگزیستانسیالیسم پرداخته‌ایم. پژوهش وی بیشتر بر کندوکاو در تجارب انسانی‌ای است که به تجارب دینی نزدیکند. در این فصل، چهار محور هستی را در موضوع جایگاه انسان در هستی، در فلسفه مارسل، مورد بررسی قرار داده‌ایم. این محورهای چهارگانه عبارتند از: جایگاه انسان در ارتباط با خود، در ارتباط با دیگران، در ارتباط با جهان هستی و در ارتباط با خدا. در خلال بررسی‌های صورت گرفته به تحلیل مؤلفه‌های فلسفه‌ی

عینی مارسل و کاوش در راز هستی از طریق تجارب انسانی‌ای چون عشق، امید و وفاداری پرداخته‌ایم.

در فصل سوم برای بررسی فرضیه دوم، پس از شرح مختصری از شیوه تفکر استاد جعفری، یکی از اندیشمندان بزرگ معاصر که در پاسداری از دین اسلام و مبانی و ارزش‌های آن، برای نجات نسل انسانی پشتکار فراوان داشته، به بررسی اجمالی دو مبحث طبیعت انسان و حیات معقول در دیدگاه ایشان پرداخته‌ایم. قسمت اعظم این فصل را به ذکر آراء و اندیشه‌های استاد درباره جایگاه انسان در ارتباط‌های چهارگانه با خویشتن، دیگران، جهان هستی و خداوند اختصاص داده‌ایم.

در فصل آخر و در راستای بررسی فرضیه سوم، نخست وجوه اشتراک و وجوه اختلاف دیدگاه‌های این دو فیلسوف را درباره جایگاه انسان در محورهای چهارگانه ارتباطش بیان کرده‌ایم، سپس به تحلیل و ارزیابی مختصر دیدگاه مارسل پرداخته‌ایم. در نهایت تحلیلی در باب ارتباط اندیشه‌های این دو فیلسوف و دیدگاه‌های اومانیستی ارائه کرده‌ایم.

نتایج

1. تکامل و سعادت انسان، مهم‌ترین محور اندیشه‌های علامه جعفری و مارسل است. هر دوی آنان در این زمینه رویکردی دینی به انسان و جایگاه او در هستی دارند و سعادت انسان و رسیدن به خیر و خوبی را در سایه ایمان به خداوند می‌دانند، اما شیوه‌ی بیان و اصول فکری این دو اندیشمند متفاوت است.

2. اگر اومانیسم به معنای حذف خداوند باشد، هیچ جایگاهی در تعالیم اسلامی ندارد؛ اما اگر به معنی توجه ویژه به انسان در طول خداوند باشد و خداوند به عنوان محور عالم هستی غایت انسان تلقی شود، می‌توان دین اسلام و تعالیم آن را یکی از پیشتازان اصالت دادن به انسان در نظر گرفت.

1 - فصل اول: معرفی جنبش اومانیسم و مکاتب متأثر از آن

یکی از دغدغه‌های اصلی انسان این است که بداند در عالم هستی از چه جایگاهی برخوردار است و آیا آینده خود را آزادانه بر می‌گزیند یا سرنوشتی مقهور و مجبور دارد، و به تعبیر دیگر در پی معنا بخشیدن به زندگی خویش است، تا بهتر و بیشتر از ثمرات زندگی بهره‌مند شود و از سرگردانی نجات پیدا کند. فلسفه‌های گوناگون درباره‌ی انسان، از آن جهت که انسان است، آراء و نظرات متفاوتی دارند. هر یک از این آرای فلسفی جنبه‌ی خاصی از انسان بودن را (مثلاً حیوانیت، ناطقیت، مدنیت، موجودیت و غیره) برجسته می‌سازد و آن را محور اندیشه‌ورزی‌های خود قرار می‌دهد، و بر اساس همین زوایای مختلفِ نگرش به انسان، و نیز روش‌های مختلف بررسی و محتوایشان، از یکدیگر متمایز می‌شوند. برای ورود به این پژوهش و در فصل حاضر در نظر داریم با معرفی جنبش فکری و فلسفی اومانیزم¹ به عنوان مهم‌ترین تفکر این عصر درباره انسان، و بررسی سیر تاریخی آن تا قرن بیستم، اندیشه‌های انسان‌گرایانه‌ی مکاتب تأثیر گرفته از آن را به اجمال، تبیین کنیم.

1. Humanism.

1-1- تعریف اومانيسم

اصطلاح اومانيسم را در فارسی با واژه‌هایی مانند انسان‌گرایی، انسان‌مداری، مکتب اصالت انسان و انسان دوستی و مانند آن معادل قرار می‌دهند. اومانيسم به یک معنا، نظام فلسفی منسجم و شناخته‌شده‌ای است که مواضع و مفاهیم هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، آموزشی، زیبایی‌شناسی، اخلاقی و سیاسی را پیش می‌برد و توسعه می‌دهد؛ و به معنای دیگر، مجموعه‌ای از سؤالات غیر مرتبط با هم، درباره‌ی طبیعت و سرشت انسان‌هاست، که با قرار دادن انسان در مرکز تأملات خود، اصالت را به رشد و شکوفایی انسان می‌دهد.¹

اومانيسم به معنی اخص، جنبشی فرهنگی و فلسفی است که در نیمه‌ی دوم قرن چهاردهم از ایتالیا آغاز شد و به کشورهای دیگر اروپایی کشانده شد. هدف این جنبش در عصر رنسانس آن بود که حیات معنوی را که انسان در عصر کلاسیک یونان دارا بود و در قرون وسطی از دست داده بود، دیگر بار به او بازگرداند و دانش و زندگی اخلاقی و دینی انسان‌ها را از قیومت کلیسا آزاد کند. این جنبش یکی از عوامل فرهنگ جدید را تشکیل می‌دهد و در واقع به معنی عام، نگرشی است که ارزش یا مقام انسان را ارج می‌نهد و او را میزان همه چیز قرار می‌دهد؛ و به بیانی دیگر، سرشت انسانی و حدود و علایق طبیعت آدمی را به عنوان موضوع اتخاذ می‌کند.²

در این معنای عام و متداول، که از همان معنای خاص سرچشمه می‌گیرد، اومانيسم دیگر به معنای یک جنبش نیست، بلکه عبارت است از شیوه‌ی فکری و حالت روحی‌ای که شخصیت انسان و شکوفایی کامل او و نیز عمل موافق با این حالت و شیوه‌ی فکر را بر همه چیز مقدم

1. Luik, J.c., "Humanism", in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, first edition: 1998, V.4, P. 528;

2. Abbagnano, N., "Humanism", in *Paul Edwards Encyclopedia of philosophy*, second edition: 1972, P. 69-70;

می‌شمارد. یعنی اندیشیدن و عمل کردن با آگاهی و تأکید بر حیثیت انسانی، و کوشیدن برای دستیابی به انسانیت اصیل را مورد توجه قرار می‌دهد.¹

فرهنگ فلسفی کمبریج در این باره می‌گوید:

اومانیزم تنها یک مکتب فکری یا مجموعه‌ای از نظریات و باورهای خاص نیست، بلکه چشم‌اندازی است به سوی جهان. چشم‌اندازی که در طول دوره‌های تاریخی مختلف انسجام تدریجی اما پایدار پیدا کرده، و تا تبدیل شدن به موضوع اصلی تمدن غرب ادامه یافته است. این مقوله وقتی مورد توجه قرار می‌گیرد، که با دو دیدگاه مورد مقایسه قرار گیرد: از یک سو می‌تواند در تقابل با تأکید بر حیطة متعالی و فوق طبیعی، که انسانیت را وابسته به امر الهی می‌داند، قرار گیرد؛ از سوی دیگر، در تعارض با این عقیده است که رفتار انسانی، همانند سایر جانداران، بخشی از طبیعت است. در میانه‌ی این دو دیدگاه، اومانیزم استعدادها و توانایی‌های انسان‌ها را، برای رشد و پرورش و تحسین خودشان، مشخص می‌کند.²

این شیوه‌ی اندیشه که «انسان» را محور توجه خود قرار می‌دهد از رنسانس به این سو منشأ تحولات و چرخش‌های فراوان در مقولات گوناگون زندگی و تمدن مردم باختر زمین شده است؛ به طوری که انسان‌گرایی را باید از مهم‌ترین شالوده‌های تفکر جدید غرب و اندیشه‌ی مدرنیسم به شمار آورد. در واقع بسیاری از فلسفه‌ها و افکار و مکاتب پس از رنسانس از این نگرش متأثر بوده‌اند، هر چند ظهور و بروز آن در برخی مکاتب فلسفی نظیر اگزیستانسیالیسم³، مارکسیسم⁴ و پراگماتیسم⁵ بیشتر بوده است.

1. مشکات، عبدالرسول، با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها: درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، تهران، سمت، 1390، ص 33.

2. Audi, R., "Humanism", in *Cambridge Dictionary of Philosophy*, second edition:1999, P.397;

3. Existentialism.

4. Marxism.

5. Pragmatism.